

۱. این شماره، سومین شماره‌ای است که "منظر" در هیئت یک مجله بین‌المللی منتشر می‌شود. همایش زیباشناسی منظر شهری فرصتی بود که با «خوائو فررا نونش»، معمار منظر پرتغالی از نزدیک آشنا شویم. حضور وی در تهران و گفتگو با "منظر" به پرونده او در این شماره از مجله منتهی شد. نونش، نظریه‌پرداز فروتن و فعالی است که طرح‌های زیادی را در نقاط مختلف جهان هدایت کرده است؛ اما آنچه او را شایسته توجه "منظر" قرارداد پشتوانه نظری طرح‌های اوست.

معماری منظر، آنچنان که «برنارد لاسوس» در نامه خود پس از چاپ شماره ۱۳ منظر برای من نوشت، عرصه‌ای مربوط به آینده است؛ آینده‌ای که در آن انسان‌ها معنای دیگری از "مکان" خواهند داشت. عصری که "مکان" ماهیتی شناور و سیال دارد که در مراحل مختلف حیات آن، زمان و دوره عمر آن، تدریجاً به دست آمده است. منظر، حرفه‌ای است که این فهم از مکان را مبنای عمل خود قرار داده است. فهمی که مکان و زمان را از هم جداناپذیر می‌سازد. نونش در ساحل اقبانوس اطلس و بسیار دورتر از مرکز اروپا نیز چنین تجربه‌ای را تئوریزه کرده است. زمان برای نونش حالات مختلف زمینی است که به طراحی آن اشتغال دارد؛ لذا نمی‌توان آن را ندید.

## ۲. منظر ایرانی

این شماره به منظر طبیعی ایران اختصاص یافته است. در دل کویر نمک و در میانه راه باستانی کاشان به سمنان، دریاچه نمک قرار دارد که شناسنامه این بخش از سرزمین ایران به شمار می‌رود. دریاچه نمک، هم منظر است و هم منظرساز. بازتاب نور از سطح سفید نمکزارهای آن، علی‌الخصوص در دل تاریکی شب و از کنار کاروانسرای صفوی مرنجاب، هاله‌ی پرتلاؤوبی را در بی‌نهایت کویر پدید می‌آورد که در کنار آسمان پرستاره شب، خاطره‌ای فراموش‌نشدنی و منظری تأمل‌برانگیز است. همچنان سطح تفتیده آن، برخلاف صحرای شن مجاور آنچنان سخت است که به هنگام توفان شن و در میان تندبادهای کویری، همچنان پابرجاست و پراستقامت باقی می‌ماند. نمکزار لم‌بزرع دریاچه نیز هیچ گیاهی را اجازه روئیدن نمی‌دهد. از این رو در پهنای گسترده آن، نشانی از توده ماسه‌های بادی پدیدآمده در اطراف خارهای بیابان دیده نمی‌شود و تا فرسنگ‌ها، زمین صاف است و در پس آن، کوه‌هایی سائیده از ضربه ماسه‌های پرواز کرده از فراز دریاچه با لبه‌هایی تیز نمایان‌اند.

چندضلعی‌های منتظم دریای خشکیده نمک با یال‌های سپید که با نظمی حیرت‌افزا تا افق پیش رفته‌اند، منظری را می‌سازد که گویی هزاران سال است در سرزمین ایران شناسنامه قطعه‌ای بوده است که امروزه در کنار دماوند، خزر و خلیج فارس از منظر طبیعی ایرانی حکایت‌ها می‌کند. «سید محمد باقر منصوری» در این عکس بخش مهمی از هویت این منظر را در قابی زیبا گزینش و برای ما روایت کرده است.

سردبیر

1. In This volume of Manzar which was the third one internationally published we talk about the city beautiful conference which was an honorary opportunity to get acquainted with João Nunes, the Portuguese landscape architect. His presences in Tehran lead to an exclusive interview with Manzar magazine. He is a diligent theorist best known for his projects all over the world; but the ideas behind his theories made him special for the magazine.

As Bernard Lassus wrote to me, landscape architecture is a future field in which people have a new definition for “place”. In this case, “place” is a flowing matter which is obtained gradually through a period of time. Landscape is a profession that has made this meaning the basis of the projects. João Nunes has also theorized this experience in Atlantic coasts, far from Europe. For Nunesh, time is different forms of the earth that he designs; it can't be seen.

2. The Iranian landscape in this volume is specified to natural scenes in iran. There exists a salt lake, located alongside Kashan- Semnan ancient way. This spot is itself a landscape while making landscape.

The white light reflection of the salt in the heart of the deep dark night creates a magnificent scene in the endless desert, an unforgettable scene near the Maranjanb inn (caravan-serai) of Safavieh era.

Its parched surface is so rigid that remains still in the sand storms and desert cyclones contrary to the falling sands of the desert. The lake does not permit any living creature grow in, so there is no evidence of sand masses or thistles, only white sheets of salt and jagged mountains in the background.

The white polygons of the lake are rhythmically spread to the horizon creating a unique and natural scene just like Damavand, Khazar and Persian Gulf. In this photo “Seyed Mohamad Bagher Mansouri” has selected a considerable frame for narrating the scene.

**Editor-in-Chief**